

پژوهش‌های زبانی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
(از ص ۶۷ تا ص ۸۲)



10.22059/jolr.2020.285901.666532
Online ISSN: 2676-3362 –Print ISSN: 1026-2288
<https://jolr.ut.ac.ir>

The Effect of Persian on Azerbaijani Compound Verb Construction

Abdolhossein Heydari¹

Assistant Professor of Language and Literature University of Farhangian

Received: July, 25, 2019 & Accepted: February, 5, 2020

Abstract

The aim of this research is to study the effect of Persian language on Azerbaijani compound verb construction. Data were collected from Azerbaijani resources and the interactions of 30 speakers of this language in Ardabil province (Ardabil, Meshkin Shahr and their surrounding regions). Native Azerbaijani compound verbs plus those borrowed from Persian were extracted from the collected data and their frequency was determined. The research method is descriptive-analytic, because at first the data were classified in the framework of the verb accommodation strategies in the borrowed language and they were analyzed according to the common approaches in language contact literature. Results show that no Persian finite verb has entered Azerbaijani language. Azerbaijani language uses two strategies to accommodate Persian finite verbs. The light verb construction and indirect insertion are two important strategies that Azerbaijani speakers use to accommodate Persian verbs. The frequency of light verb construction (Persian non-verbal element + Azerbaijani light verb) in the speakers' speech is very high in comparison to indirect insertion strategy (Persian noun or adjective + Azerbaijani verb making affixes) and Azerbaijani native compound verbs. In spite of some previous studies considering Azerbaijani compound verbs as patterns borrowed from Persian, this research finding shows that light verb construction is not a new pattern in Azerbaijani and this construction exists in the language itself. Azerbaijani speakers use the extending strategy to increase the frequency of this construction matching that of Persian. Borrowed Persian non-verbal element causes Azerbaijani speakers to choose among alternative verb making constructions (Persian non-verbal element + Azerbaijani light verb and Persian noun or adjective + Azerbaijani verb making affixes) the one corresponding to Persian construction. This change resulting in Azerbaijani progressive convergence to Persian is a natural consequence of language contact.

Keywords: language contact, borrowing, compound verb, Persian, Azerbaijani

1. Corresponding author Email: a_heidari53@yahoo.com

بررسی تأثیر زبان فارسی بر ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی

عبدالحسین حیدری^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۵/۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۱۶

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر، مطالعه تأثیر زبان فارسی بر ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی است. داده‌ها از منابع معتبر ترکی آذربایجانی و تعاملات زبانی سی نفر از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل جمع‌آوری شده است. افعال قرضی فارسی در ترکی آذربایجانی و افعال مرکب بومی ترکی آذربایجانی از میان داده‌های گردآوری شده، استخراج گردید و فراوانی کاربرد هر کدام از این نوع فعل‌ها در گفتار گویشوران ترکی آذربایجانی تعیین گردید. تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ زیرا ابتدا داده‌ها در چارچوب الگوهای انطباق فعل در زبان قرض‌گیرنده، طبقه‌بندی و توصیف می‌شود و سپس بر اساس دیدگاه‌های مطرح در تماس زبانی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بررسی داده‌ها نشان داد که هیچ نوع فعل خودایستای فارسی در چارچوب ساخت‌های ترکی آذربایجانی قرار نمی‌گیرد و زبان ترکی آذربایجانی برای انطباق فعل‌های زبان فارسی از دو راه کار عمده ساخت فعل سبک و درج غیرمستقیم بهره می‌برد. فراوانی داده‌های منطبق با راه کار اول (جزء غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی) نسبت به داده‌های راه کار دوم (اسم یا صفت فارسی + وند فعل‌ساز ترکی آذربایجانی) و افعال مرکب بومی ترکی آذربایجانی، خیلی بیشتر است. برخلاف تعدادی از تحقیقات پیشین که ساخت فعل مرکب در ترکی آذربایجانی را، ساخت قرضی از زبان فارسی تصور کرده است؛ یافته‌های این تحقیق نشان داد که ساخت فعل سبک در ترکی آذربایجانی، ساختی تازه و ناآشنا نیست. بلکه این ساخت در خود زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد و فقط فراوانی کاربرد آن با بهره‌گیری از راه کار گسترش (در پدیده برخورد زبان‌ها) افزایش یافته است. گویشوران ترکی آذربایجانی از میان دو ساخت فعل‌ساز زبان خود (وندافزایی یا ساختواژی و ساخت فعل سبک)، الگوی منطبق با ساخت مشابه و متناظر در زبان فارسی (ساخت فعل سبک) را انتخاب کرده و با قرض‌گیری جزء غیرفعلی فارسی، فراوانی کاربرد این ساخت را در زبان خود افزایش داده‌اند. این تغییر در جهت همگرایی زبان ترکی آذربایجانی با زبان فارسی انجام یافته است که از پیامدهای طبیعی برخورد و تماس زبان‌ها است.

واژه‌های کلیدی: تماس زبانی، قرض‌گیری، فعل مرکب، فارسی، ترکی آذربایجانی.

۱- مقدمه

تماس زبانی پیامدهای مختلفی دارد که می‌توان به پدیده‌هایی نظیر قرض‌گیری، تداخل، همگرایی، آمیختگی زبانی، رمزگردانی زبانی و ... اشاره کرد. اولین و سریع‌ترین نتیجه تماس زبان‌ها، ردوبدل شدن عناصر واژگانی بین زبان‌هاست؛ اما اگر فشار فرهنگی از سوی گویشوران زبان قرض‌دهنده، طولانی مدت و شدید باشد، به دوزبانگی گسترده در

۱. a_heidari53@yahoo.com

۱. رایانامه نویسنده مسئول:

جامعهٔ قرض‌گیرنده منجر می‌شود و به دنبال آن ممکن است قرض‌گیری دستوری و همچنین قرض‌گیری واجی اتفاق بیفتد (توماسون و کافمن^۱، ۱۹۸۸: ۳۷). عدم توازن در قدرت و اعتبار اجتماعی زبان‌ها موجب می‌شود تا سیطرهٔ زبان غالب بر زبان‌های دیگر در جوامع چندزبانه، روز به روز افزایش یابد. به همین دلیل، حجم قابل توجهی از واژه‌های زبان فارسی در طول سالیان متمادی به زبان ترکی آذربایجانی راه یافته است که در این میان، سهم اسم نسبت به فعل زیادتر است. به نظر میرزاسکاتن^۲ (۲۰۰۲: ۲۴۰) اسم‌ها به خاطر دریافت‌کننده بودن نقش‌های تناء، ساخت جملهٔ زبان وام‌گیرنده/پذیرا را به هم نمی‌زنند و در نتیجه راحت‌تر به زبان یا زبان‌های دیگر انتقال داده می‌شوند؛ اما فعل‌ها که نقش تعیین‌کننده‌ای در آرایش سازه‌های ساخت‌های نحوی دارند، کمتر توسط گویشوران یک زبان به عاریت گرفته می‌شوند؛ زیرا فعل‌ها بر سازه‌های دیگر جمله حاکم هستند و به آنها حالت^۳ می‌دهند. موراوزچیک^۴ (۱۹۷۵) معتقد است که فعل با مقولهٔ اصلی وارد زبان وام‌گیرنده نمی‌شود، بلکه فعل به‌عنوان مقولهٔ غیرفعلی همچون اسم به زبان دیگر ورود پیدا می‌کند و پس از انجام فرایند فعل‌سازی، در نظام فعلی آن زبان قرار می‌گیرد.

راه‌کارهای متعددی برای انطباق فعل در زبان پذیرا مطرح شده است که در بخش مبانی نظری به آنها اشاره خواهد شد. فعل سبک یا همکرد^۵ یکی از رایج‌ترین راه‌های انطباق فعل در زبان دیگر است. فعل قرضی به‌عنوان همراه یا جزء غیرفعلی با فعل سبک زبان وام‌گیرنده ترکیب می‌شوند و فعل مرکب را می‌سازند. فعل‌های مرکب فراوانی مانند شوت کردن، ویراژ دادن، استارت زدن و ... در زبان فارسی از طریق همین ساخت فعل سبک درست شده‌اند. گویشوران ترکی آذربایجانی نیز طبق همین ساخت زبان فارسی، بعد از کپی جزء غیرفعلی (همراه)، فعل سبکی به کار می‌برند که هم‌معنای فعل سبک زبان فارسی است. elæ-mæx (کردن) و ol-max (شدن) از رایج‌ترین فعل‌های سبک زبان ترکی آذربایجانی هستند که با وام‌گیری جزء غیرفعلی فارسی، فعل‌های مرکبی مانند tæsis ol-max (تأسیس شدن)، ijazæ ver-mæx (اجازه دادن) mæjbur elæ-mæx (مجبور کردن) و ... را، به ترکی آذربایجانی معرفی نموده‌اند. فراوانی یا بسامد بالای

-
1. Thomason & Kaufman
 2. Myers-Scotton
 3. case
 4. Moravcsik
 5. light verb

کاربرد این نوع افعال توسط گویشوران ترکی آذربایجانی که به دنبال تماس با زبان فارسی رخ داده است؛ تحقیق حاضر را بر آن داشت تا ساخت فعل مرکب در ترکی آذربایجانی و تأثیرپذیری آن از الگوی فعل مرکب زبان فارسی را، با پاسخ به پرسش‌های زیر مطالعه نماید: آیا به‌کارگیری جزء غیرفعلی فارسی در ساخت فعل سبک ترکی آذربایجانی، به وام‌گیری الگویی جدیدی در ترکی آذربایجانی منجر شده است؟ راه‌یابی جزء غیرفعلی فارسی به ساخت فعل سبک ترکی آذربایجانی، چه تأثیری بر نظام زبان ترکی آذربایجانی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا پیشینه مطالعات انجام یافته در باب فعل مرکب، به‌ویژه در زبان ترکی آذربایجانی معرفی می‌گردد و در بخش مبانی نظری نیز دیدگاه‌ها^۱ (۲۰۰۶) مورد بررسی قرار می‌گیرد که پدیده برخورد زبانی را بین زبان‌های مختلف مطالعه کرده است. با توجه به محتوای این دو بخش، تحلیل جدیدی از فراوانی جزء غیرفعلی فارسی در ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی ارائه می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

دستورنویسان و زبان‌شناسان متعددی (خانلری، ۱۳۶۵؛ دبیرمقدم، ۱۳۷۴؛ محمد و کریمی، ۱۹۹۲؛ کریمی‌دوستان، ۲۰۰۵) فعل مرکب زبان فارسی را بررسی و تحلیل نموده‌اند. خانلری (۱۳۶۵) و دبیرمقدم (۱۳۷۴) معتقدند که تعداد فعل‌های ساده در زبان فارسی اندک است و زبان فارسی به گسترش دامنه افعال مرکب تمایل دارد. ساخت افعال مرکب در زبان فارسی، فرایندی زایا به حساب می‌آید؛ در این زبان هر یک از افعال مرکب از ترکیب یک عنصر یا سازه غیرفعلی (اسم، صفت، اسم مفعول، قید و گروه حرف اضافه‌ای) با یک فعل سبک ساخته می‌شود:

(۱) الف) جنگ کردن (اسم + فعل سبک)

(ب) دلخور شدن (صفت + فعل سبک)

(ج) کشته شدن (اسم مفعول + فعل سبک)

(د) پس دادن (قید + فعل سبک)

(ه) به دنیا آمدن (گروه حرف اضافه‌ای + فعل سبک)

^۱. Heine

دبیرمقدم (۱۳۷۴) از این نوع افعال به عنوان افعال مرکب ترکیبی یاد می‌کند. در این گروه از افعال، سازه غیرفعلی حامل محتوای معنایی فعل مرکب است درحالی که فعل سبک با دریافت پسوندها، اطلاعات دستوری (زمان، نمود، شخص و شمار) را به همراه دارد. در نوع دیگری از افعال مرکب که افعال مرکب انضمامی نامیده می‌شوند، مفعول صریح، نشانه‌های دستوری وابسته به خود را از دست داده و به فعل ضمیمه می‌شود، نمونه‌ای از آن در مثال (۲ ب) مشهود است (دبیرمقدم، ۱۳۷۴: ۲۴).

(۲) الف- بچه‌ها غذایشان را خوردند.

ب- بچه‌ها غذا خوردند.

پس از ضمیمه شدن مفعول به فعل در افعال مرکب انضمامی (مثال ۲ ب)، فعل هویت واژگانی و شفافیت معنایی خود را همچنان حفظ می‌کند درحالی که در ترکیب اسم و فعل (افعال ترکیبی مانند تهدید کردن، تلفن زدن، طلاق دادن، آتش گرفتن، فریب خوردن و غیره)، فعل دستخوش «دستوری‌شدگی»^۱ می‌شود و در واقع به نشانه نوع عمل که ماهیتاً مقوله‌ای نمودی است، تبدیل می‌گردد. دبیرمقدم (۱۳۷۴) فرایند ساخت فعل مرکب را، ساختواژی می‌داند؛ اما برخلاف وی، محمد و کریمی (۱۹۹۲) و کریمی‌دوستان (۲۰۰۵) معتقدند که این فرایند، یک فرایند نحوی است. کریمی‌دوستان (۲۰۰۵) انگیزه اصلی ادغام فعل سبک و اسم فعل (جزء غیرفعلی) و تشکیل یک محمول مرکب را اطلاق حالت ساختاری توسط فعل سبک می‌داند، از دیدگاه او حالت ساختاری که فعل سبک به موضوعات اسم فعل می‌دهد در درک نحوی آنها تأثیر بسزایی دارد.

محمد و کریمی (۱۹۹۲) با مقایسه افعال مرکب و ساخت‌های مفعول + فعل در زبان فارسی نتیجه‌گیری کردند که افعال سبک از لحاظ معنایی تهی هستند و هیچ نوع رابطه‌ی تتایی با عناصر غیرفعلی ندارند، همچنین چارچوب زیرمقوله‌ای آنها به افعال سنگین^۲ شباهتی ندارد. برای روشن‌تر شدن مطلب، به مثال‌های (۳ و ۴) محمد و کریمی (۱۹۹۲: ۲۰۵) توجه شود:

۳- کیمیا به رادیو گوش داد.

۴- کیمیا به رامین کتاب داد.

طبق استدلال محمد و کریمی، در مثال (۳) بین فعل *داد* و عنصر غیرفعلی *گوش*، رابطه تتایی وجود ندارد درحالی‌که در مثال (۴) فعل *داد*، یک فعل سنگین است و با

1.grammaticalization

2.heavy verbs

موضوع درونی خود رابطهٔ تتایی دارد. در مثال (۴) کتاب نقش تتایی هدف^۱ را از فعل داد دریافت می‌کند و با قرار گرفتن در مشخص‌گر VP، حالت درونی^۲ به خود می‌گیرد در حالی که عنصر غیرفعلی فعل مرکب در جایگاه خواهر فعل قرار می‌گیرد و حالت ساختاری^۳ دریافت می‌کند. واژهٔ گوش در مثال (۳) همین وضعیت را دارد، بنابراین فعل داد در مثال (۳) فعل سبک محسوب می‌شود. حیدری‌زادی و همکاران (۱۳۹۵) با مطالعهٔ چگونگی اشتقاق ساختاری فعل‌های مرکب ساخته‌شده با فعل سبک «کردن» نشان دادند که این نوع فعل‌های مرکب، عملکرد دوگانه نحوی-ساختواژی دارند؛ زیرا این فعل‌ها از یک طرف ساختاری ترکیبی و نحو-بنیاد دارند، اما از طرف دیگر، عملکرد آنها در نحو یکپارچه و به صورت یک هسته واژگانی منسجم است و همچنین درونداد فرایندهای ساختواژی قرار می‌گیرند.

تحقیق حاضر قصد ندارد تا ساختواژی بودن یا نحوی بودن فعل مرکب در زبان ترکی آذربایجانی را تحلیل نماید؛ بلکه در این تحقیق تلاش بر این است تا انطباق فعل فارسی در نظام زبان ترکی آذربایجانی (جزء غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی) بر مبنای دیدگاه هاینه (۲۰۰۶) مطالعه گردد. هاینه (۲۰۰۶) انطباق الگوهای نحوی در پدیده برخورد زبان‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. فعل مرکب در زبان ترکی آذربایجانی نیز از مدت‌ها پیش مورد توجه محققان واقع شده است. روحانی (۱۳۷۸) معتقد است که فعل مرکب در ترکی آذربایجانی وجود ندارد. به زعم او، فعل مرکب در زبان ترکی آذربایجانی یک نوع الگوبرداری یا اقتباس است که برای مثال می‌توان به جای *dava elæ-mæx* (دعوا کردن) از فعل ساده *savaš-max* استفاده کرد.

حسین‌زاده‌آزاد (۱۳۸۲) با الهام از چارچوب فعل مرکب زبان فارسی که توسط دبیرمقدم (۱۳۷۴) ارائه شده است، فعل مرکب ترکی آذربایجانی را به دو نوع ترکیبی و انضمامی تقسیم‌بندی می‌کند. حسین‌زاده‌آزاد (۱۳۸۲) معتقد است که فعل‌های مرکب ترکیبی از سه طریق زیر به دست می‌آیند.

الف- ترکیب اسم با فعل

ب- ترکیب صفت با فعل

1.goal

2.inherent case

3.structural case

ج- ترکیب گروه حرف‌اضافه‌ای با فعل

حسین‌زاده‌آزاد (۱۳۸۲) با بررسی پیکره زبانی، به وجود افعال فراوانی در زبان ترکی‌آذربایجانی اشاره کرده است که می‌توانند به عنوان فعل سبک عمل کرده و فعل مرکب بسازند. او $elæ-mæx$ (کردن) و $ol-max$ (شدن) را پربسامدترین افعال سبک معرفی کرده است.

محمودی (۱۳۹۳) نتیجه‌گیری کرده است که زبان ترکی‌آذربایجانی به دلیل تماس با زبان فارسی، متحمل تغییراتی همانند تغییر در ترتیب عناصر جمله به سبب به‌کارگیری برخی تکواژهای دستوری و تغییر در رده صرفی از پیوندی به تحلیلی، سرانجام منجر به الگوبرداری از فعل مرکب فارسی می‌شود.

نغزگوی‌کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳) راه‌کارهای انطباق افعال فارسی در زبان ترکی‌آذربایجانی را بررسی نموده و بهترین و اقتصادی‌ترین شیوه انطباق فعل در زبان ترکی‌آذربایجانی را، استفاده از ساختی مشابه ساخت فعل سبک فارسی دانسته‌اند. آنها معتقدند که چون فعل‌های سبک یا همکرده‌های زبان ترکی‌آذربایجانی به لحاظ آوایی و ریشه به همکرده‌های فارسی شباهتی ندارند، بنابراین برای ساخت فعل مرکب در زبان ترکی‌آذربایجانی، بعد از کپی جزء غیرفعلی، همکردی به کار می‌رود که هم‌معنای همکرد زبان فارسی است (جزء غیرفعلی فارسی + همکرد ترکی‌آذربایجانی). نغزگوی‌کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳) به علت این ترجمه قرصی، این موارد را در زمره راه‌کار وام‌گیری معنایی در نظر گرفته‌اند.

همان‌طوری که توماسون و کافمن (۱۹۸۸) اشاره نموده‌اند در وام‌گیری معنایی، صورت سازه یا عنصر زبانی به زبان قرض‌گیرنده انتقال نمی‌یابد و فقط معنا یا ترکیبی از معانی سازه‌ها به زبان دیگر راه می‌یابد؛ اما در انطباق افعال فارسی در ترکی‌آذربایجانی، هم صورت و هم معنای جزء غیرفعلی فارسی (صورت و معنا) در ساخت فعل مرکب ترکی‌آذربایجانی حضور دارد و تنها همکرد بومی (معنا = هم‌معنای همکرد زبان فارسی) از ترکی‌آذربایجانی انتخاب می‌گردد. یوهانسون^۱ (۱۹۹۹) معتقد است که عناصر زبانی از زبانی به زبان دیگر کپی می‌شوند و این کپی بر دو نوع است: کپی کروی^۲ و کپی گزینشی. در کپی کروی عنصر خارجی با تمام مشخصاتش (صورت و معنا) هدف کپی است؛ اما در کپی گزینشی تنها مشخصات خاصی (صورت یا معنا) از یک عنصر الگو،

1. Johanson
2. global copying

کپی می‌شود (یوهانسون، ۱۹۹۹: ۸۹۹). با توجه به طبقه‌بندی یوهانسون (۱۹۹۹) از کپی در زبان‌شناسی تماس، می‌توان چنین فرض کرد که در ساخت جزء غیرفعلی فارسی + همکرد ترکی آذربایجانی، جزء غیرفعلی از نوع کپی کروی و جزء فعلی از نوع کپی گزینشی است، بنابراین هر دو نوع کپی در این ساخت رخ داده است.

۳- مبانی نظری

هاینه (۲۰۰۶) با بررسی اکثر مطالعات در باب تماس زبان‌ها، نتیجه‌گیری کرده است که گویشوران زبان بدل^(۱) به دنبال تماس با زبان مدل^۱، آرایش نحوی جدید و بیگانه با نظام زبانی خود را به کار نبرده‌اند. در مطالعه‌ی هاینه (۲۰۰۶) به دلیل عدم ردوبدل شدن ماده‌ی زبانی بین زبان‌های درگیر در پدیده‌ی تماس زبانی، از اصطلاح‌های زبان مدل و زبان بدل به جای زبان وام‌دهنده و زبان وام‌گیرنده استفاده شده است. از نظر هاینه (۲۰۰۶) آنچه که گویشوران زبان بدل در نتیجه‌ی تماس با زبان مدل انجام می‌دهند، یک نوع تغییر در کاربرد ساخت‌های نحوی زبان بومی و سازمان‌دهی مجدد آنهاست. گویشوران زبان بدل یک ساخت نحوی، از میان دو یا چند ساخت نحوی جایگزین^۲ موجود در زبان خود که با ساخت نحوی مشابه و متناظر در زبان مدل، انطباق کامل دارد؛ انتخاب می‌کنند و در بافت‌های گوناگون به کار می‌بندند. او تعداد عمده‌ای از تحقیقات را نام می‌برد که مدارک تجربی و قانع‌کننده‌ای برای اثبات دگرگونی در ترتیب سازه‌های ساخت‌های نحوی ندارند، هرچند نمی‌توان منکر این واقعیت گردید که عامل خارجی (تماس زبانی) و عوامل درونی خود زبان‌ها از جنبه‌ی درزمانی، نقش شایانی را در تغییر آن زبان‌ها ایفا می‌نمایند.

هاینه (۲۰۰۶) با ارائه‌ی شواهدی از تغییرات در ترتیب سازه‌های ساخت‌های نحوی متأثر از پدیده‌ی تماس زبانی در زبان‌های مختلف، راه‌کارهایی (تخصیص^۳، گسترش^۴، تغییر از یک نوع ساخت به ساخت دیگر^۵ و بی‌نشانداری گفتمانی^۶) را معرفی می‌نماید که عملکردشان به تغییر در نحو زبان بدل در جهت انطباق و هم‌سویی با نحو زبان مدل

-
1. model
 2. alternative structures
 3. narrowing
 4. extending
 5. shift from one construction type to another
 6. pragmatic unmarking

منجر می‌شود. دو راه کار اولی (تخصیص و گسترش کاربرد ساخت‌های نحوی) عمده‌ترین راه کارهای پیشنهادی هاینه (۲۰۰۶) هستند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند. البته تحقیق حاضر برای تبیین انطباق فعل فارسی در ترکی آذربایجانی، تنها از راه کار گسترش به عنوان مبنای کار بهره برده است.^(۲)

الف- راه کار تخصیص: دامنه کاربرد ساخت یا ساخت‌های نحوی از طریق این راه کار، محدود می‌شود. یک الگوی نحوی از میان دو یا چند الگوی جایگزین که با الگوی مشابه در زبان مدل مطابقت دارد، انتخاب می‌گردد و در اکثر بافت‌ها به کار برده می‌شود؛ در حالی که الگو یا الگوهای دیگر در حاشیه قرار می‌گیرند. در همین ارتباط هاینه (۲۰۰۶) به نقل از توماسون^۱ (۲۰۰۱: ۸۹) به زبان کادیویو^۲ اشاره دارد که از ویژگی ترتیب کلمات نسبتاً آزادی در چیدمان واژه‌های یک جمله برخوردار است (OVS, VOS, SOV, OSV, VSO, SVO). دوزبان‌های کادیویو-پرتغالی در ترجمه جملات پرتغالی به زبان کادیویو، از ترتیب کلمات SVO پیروی می‌کنند. توماسون (۲۰۰۱) معتقد است که این دوزبان‌ها تحت تأثیر زبان پرتغالی به استفاده از الگوی SVO روی آورده‌اند و بیشتر از آن بهره می‌برند؛ در حالی که به کارگیری الگوهای دیگر، در حاشیه قرار گرفته است.

ب- راه کار گسترش: رایج‌ترین راه کار انطباق ساخت نحوی زبان بدل با ساخت زبان مدل، راه کار گسترش است. فراوانی رخداد الگوهای کم کاربرد یا محدود به بافت خاص، با بهره‌گیری از این راه کار، افزایش می‌یابد و از آنها در بافت‌های زبانی جدید استفاده می‌شود. هاینه (۲۰۰۶) به نقل از چیکووانی^۳ (۲۰۰۵: ۱۳۱) یکی از گویش‌های زبان عربی به نام قاشقا-دریا را مثال می‌زند که در ازبکستان به آن محاوره می‌شود. الگوی غالب ساخت جمله در گویش قاشقا-دریا، الگوی SVO بود و الگوی SOV فقط در بافت‌های خاص کاربرد داشت؛ اما گویشوران قاشقا-دریا با تأثیرپذیری از زبان‌های هندواروپایی مانند زبان فارسی و تاجیک و زبان‌های ترکی همچون زبان ازبکی، استفاده از الگوی SOV را گسترش داده‌اند و حالا این الگو را در بافت‌های جدید زیادی نیز به کار می‌برند.

همان طوری که قبلاً ذکر شد در اکثر زبان‌های دنیا، از راه کارهای انطباق مختلفی برای اضافه کردن وام‌واژه‌های فعلی استفاده می‌شود که ولگموت^۴ (۲۰۰۹) راه کارهای

1. Thomason

2. Kadiweu (a Waikuruan language of Brazil)

3. Chikovani

4. Wohlgemuth

اصلی این انطباق را به چهار فرایند زیر دسته‌بندی کرده است: الف- درج مستقیم: ستاک فعلی از طریق این راه‌کار با همان صورت اولیه، به زبان پذیرا وارد می‌شود و هیچ تغییر صرفی-نحوی در آن انجام نمی‌پذیرد. مثلاً فعل download «دانلود کردن»، بدون تغییر صرفی و معنایی وارد زبان آلمانی شده است و در صیغه‌های مختلف به کار می‌رود. ب- درج غیرمستقیم: در این راه‌کار، وندی که در زبان پذیرا، فعل‌ساز است به فعل قرضی اضافه می‌شود تا آن فعل به لحاظ صرفی، متناسب با زبان پذیرا باشد. برای مثال فعل‌های قرضی مانند tæzæ-læ-mæx (تازه کردن)، tæmiz-læ-mæx (تمیز کردن) و ... در ترکی آذربایجانی طبق همین راه‌کار انطباقی ساخته شده‌اند (اضافه کردن وند فعل‌ساز læ به صفت‌های فارسی تازه و تمیز). استفاده از وندهای فعل‌ساز la/læ و ... یکی از شیوه‌های رایج برای ساخت فعل در زبان ترکی آذربایجانی است.

ج- فعل سبک یا همکرد: همان‌طوری که در مقدمه اشاره شد ساخت فعل سبک یا همکرد یکی از رایج‌ترین راه‌های انطباق فعل در زبان دیگر است. زبان ترکی آذربایجانی نیز در انطباق با همین ساخت زبان فارسی، فراوانی کاربرد فعل‌های مرکب را بالا برده است.

د- درج صیغگان^۱: فعل و صرف آن در صیغه‌های مختلف از طریق این راه‌کار به زبان پذیرا وارد می‌شود. کاربرد راه‌کار درج صیغگان نادر است.^(۳)

۴- داده‌ها و روش تحقیق

برای گردآوری داده‌های تحقیق به مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی که قرض‌گیری ترکی آذربایجانی از زبان فارسی یا دستور زبان ترکی آذربایجانی را مطالعه کرده‌اند، مراجعه گردید و داده‌های مرتبط با افعال مرکب بررسی و دسته‌بندی شد. علاوه بر این بخش عمده داده‌ها را، تعاملات زبانی ۳۰ نفر (مرد و زن) از گویشوران ترکی آذربایجانی مناطق مرکزی استان اردبیل (اردبیل، مشگین‌شهر و حومه) تشکیل می‌دهند که از طریق ضبط و یادداشت‌برداری جمع‌آوری شده است (حدود ۱۸ ساعت). یک سوم این گروه، تک‌زبان (ترکی آذربایجانی) بودند و از سنین بالای ۵۰ سال برخوردار بودند و بقیه گروه، غیر از زبان بومی، توانایی تکلم به زبان فارسی را نیز داشتند (دوزبانه) و سن‌شان بین ۱۸ تا ۶۰ سال در نوسان بود. افعال قرضی فارسی در ترکی آذربایجانی و افعال

1. paradigm insertion

مرکب بومی ترکی آذربایجانی از میان داده‌ها استخراج گردید و مورد شمارش قرار گرفت که فراوانی کاربرد هر کدام از این نوع فعل‌ها در بخش‌های بعدی تحقیق به طور مفصل و همراه با مثال‌های مختلف ارائه شده است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ زیرا ابتدا داده‌های گردآوری شده در چارچوب الگوهای انطباق فعل در زبان قرض‌گیرنده طبقه‌بندی و توصیف می‌شود و سپس بر اساس دیدگاه‌های مطرح در تماس زبانی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین نویسنده در گردآوری و تحلیل داده‌ها، به دلیل ترک‌زبان بودن، از شمّ زبانی خود هم استفاده نموده است.

۵- وام‌واژه‌های فعل فارسی در ترکی آذربایجانی

بررسی داده‌های گردآوری شده تحقیق حاضر نشان داد که هیچ نوع فعل خودایستای فارسی در چارچوب ساخت‌های زبان ترکی آذربایجانی قرار نمی‌گیرد و زبان ترکی آذربایجانی برای انطباق فعل‌های زبان فارسی، از دو راه‌کار عمده ساخت فعل سبک (جزء غیر فعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی) و درج غیرمستقیم بهره می‌برد.

۵-۱- فعل سبک یا همکرد

گویشوران زبان ترکی آذربایجانی بعد از قرض‌گیری جزء غیر فعلی فارسی، همکرد یا فعل سبکی از زبان خود که معادل فعل سبک فارسی است، انتخاب می‌کنند و با عنصر قرضی ترکیب می‌نمایند. افعال سبک یا همکردهای زبان ترکی آذربایجانی نظیر ol-max (شدن)، elæ-mæx (کردن)، ver-mæx (دادن)، vîr-max (زدن)، tut-max (گرفتن) و ... با اسم‌ها، صفت‌ها، قیدها و گروه حرف اضافه‌ای زبان فارسی ترکیب می‌شوند و موجب گسترش فراوانی فعل مرکب قرضی در زبان ترکی آذربایجانی می‌شوند مانند:

- اسم + همکرد (jævane vîr-max) جوانه زدن

- صفت + همکرد (rayej ol-max) رایج شدن

- قید + همکرد (pas ver-mæx) پس دادن

- گروه حرف اضافه + همکرد (bad-a ver-mæx) بر باد دادن

در ادامه، فراوانی کاربرد همکردها در افعال مرکب قرضی ترکی آذربایجانی که از میان داده‌ها استخراج گردیده است، همراه با مثال ارائه می‌گردد:

فراوانی	مثال	همکرد
---------	------	-------

۲۰۵	zæxmi ol-max (زخمی شدن)	ol-max (شدن)
۱۹۸	tænzim elæ-mæx (تنظیم کردن)	elæ- mæx (کردن)
۸۲	tælæg ver-mæx (طلاق دادن)	ver-mæx (دادن)
۲۸	næzær-æ al (در نظر گرفتن)	al-max (خریدن/گرفتن)
۲۱	čort vîr- max (چرت زدن)	vîr- max (زدن)
۱۶	šæfa tap- max (شفا یافتن)	tap- max (یافتن)
۱۵	salim gal-max (سالم ماندن)	gal-max (ماندن)
۱۴	næræ çæk-mæx (نعره کشیدن)	çæk-mæx (کشیدن)
۱۱	fursæt istæ-mæx (فرصت خواستن)	istæ- mæx (خواستن)
۱۱	šært goymax (شرط گذاشتن)	goy- max (گذاشتن)
۱۱	ziyæn qör-mæx (زیان دیدن)	qör-mæx (دیدن)
۱۰	æks qöti-mæx (عکس گرفتن)	qöti-mæx (برداشتن)
۱۰	æl-i var (دست داشتن)	var (داشتن)
۸	æks sal-max (عکس انداختن)	sal-max (انداختن)
۵	tæšrif apar-max (تشریف بردن)	apar-max (بردن)
۵	tæræk ye-mæx (ترک خوردن)	ye-mæx (خوردن)
۴	ræjæz de-mæx (رجز گفتن)	de-mæx (گفتن)
۴	guran oxu-max (قرآن خواندن)	oxu-max (خواندن)
۳	ali saxla-max (عالی نگه داشتن)	saxla-max (نگه داشتن)
۳	sæfa qætir-mæx (صفا آوردن)	qætir-mæx (آوردن)
۳	duš tut-max (دوش گرفتن)	tut- max (گرفتن)
۳	dünya-yæ qæl-mæx (به دنیا آمدن)	qæl-mæx (آمدن)
۲	gat-max irtibat (ارتباط برقرار کردن)	gat-max (مخلوط کردن)

فراوانی	مثال	همکرد
۲	hadisæ yarat-max (حادثه آفریدن)	yarat-max (آفریدن)
۲	hormæt bilmæx (حرمت دانستن)	bilmæx- mæx (دانستن)
۲	fasilæ tuš-mæx (فاصله افتادن)	tüš-mæx (افتادن)
۲	fæxr sat- max (فخر فروختن)	sat- max (فروختن)

۲	gænimæt say-max (غنیمت شمردن)	say-max (شمردن)
۲	asib yetir-mæx (آسیب رساندن)	yetir-mæx (رساندن)
۲	güdræt-æ čat-max (به قدرت رسیدن)	čat-max (رسیدن)
۱	šoħræt gazan-max (شهرت کسب کردن)	gazan-max (کسب کردن)

از میان بیش از ۳۰ فعل سبک ترکی آذربایجانی گردآوری شده تحقیق حاضر، ol-max (شدن) و yetir-mæx (رساندن) به ترتیب پربسامدترین و کم‌بسامدترین افعال سبک ترکی آذربایجانی بودند که با اجزاء غیرفعلی فارسی ترکیب شده بودند. این یافته با یافته‌های تحقیقات پیشین نظیر حسین‌زاده‌آزاد (۱۳۸۲) و نفزگوی کهن و عبدالملکی (۱۳۹۳) مطابقت دارد که elæ-mæx (کردن) و ol-max (شدن) را، رایج‌ترین فعل‌های سبک ترکی آذربایجانی معرفی نموده‌اند. البته در فعل‌های مرکبی مانند pærk elæmæx (پارک کردن)، æfv elæmæx (عفو کردن) و ... سازه‌های غیرفعلی انگلیسی یا عربی، به طور غیرمستقیم و از طریق زبان فارسی به ترکی آذربایجانی وارد شده و به صورت ساخت فعل سبک به کار رفته‌اند.

فعل سبک var در زبان ترکی آذربایجانی ویژگی‌های خاصی دارد، برای مثال تنها فعلی است که پسوند مصدر ساز max را دریافت نمی‌کند. همچنین این فعل سبک پسوند منفی ساز نمی‌گیرد؛ برای منفی کردن فعل سبک var از واژه yox استفاده می‌شود که هم به معنی «نه» است و هم معنی «نداشتن» را در بردارد.

۵-۲- درج غیرمستقیم

درج غیرمستقیم یکی دیگر از راه‌کارهایی است که گویشوران زبان ترکی آذربایجانی برای انطباق فعل‌های زبان فارسی در زبان خود از آن استفاده می‌نمایند. از آنجایی که ترکی آذربایجانی یک زبان پیوندی است، بنابراین استفاده از وندهای فعل ساز یکی از رایج‌ترین راه‌ها برای ساخت فعل در زبان ترکی آذربایجانی است. کلمات با مقولات واژگانی مختلف (اسم، صفت) با استفاده از وندهای فعل ساز (læ, la, læš, laš) به فعل تبدیل می‌شوند (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۱). هماهنگی واکه‌ای که یکی از مشخصه‌های بارز زبان ترکی آذربایجانی است، عامل تعیین‌کننده در وقوع æ یا a در وندهاست. واکه وند (پسوند) در مشخصه پسون یا پیشین با آخرین واکه ریشه همگون می‌شود. اگر واکه ریشه، پیشین باشد از æ و در صورت پسون بودن از a استفاده می‌شود.

tær (عرق) + læ + mæx = عرق کردن
 dærin (عمیق) + læš + mæx = عمیق شدن
 gara (سیاه) + la + max = سیاه کردن

علاوه بر استفاده از ساخت اسم و صفت + وند فعل‌ساز در کلمات بومی، از آن برای انطباق افعال قرضی نیز استفاده می‌شود، بنابراین درج غیرمستقیم یکی دیگر از راه‌کارهای وام‌گیری فعلی در زبان ترکی آذربایجانی است. در میان داده‌های گردآوری شده، بیش از ۲۴۵ فعل قرضی یافت شد که به همین شیوه ساخته شده‌اند (اسم یا صفت فارسی + وند فعل‌ساز ترکی آذربایجانی) و به ترکی آذربایجانی راه یافته‌اند مانند:

(اره کردن)	ærræ-læ-mæx	(تمیز کردن)	tæmiz-læ-mæx
(راحت کردن)	rahat-laš-max	(تازه کردن)	tæzæ-læ-mæx
(آرام کردن)	aram-lat-max	(مشهور شدن)	mæšhur-laš-max

داده‌هایی (افعال قرضی) نیز بودند که با استفاده از هر دو شیوه انطباق فعلی جزء غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی و اسم یا صفت فارسی + وند فعل‌ساز ترکی آذربایجانی) مورد استفاده قرار گرفته بودند:

(تمیز کردن)	tæmiz-læ-mæx	یا	(تمیز کردن)	tæmiz-elæ-mæx
(آرام کردن)	aram-lat-max	یا	(آرام کردن)	aram-elæ-mæx

۶- نتیجه

بررسی داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زبان ترکی آذربایجانی برای انطباق افعال زبان فارسی از دو راه کار الف- جزء غیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی و ب- اسم یا صفت فارسی + وند فعل‌ساز ترکی آذربایجانی بهره می‌برد. فراوانی یا بسامد داده‌های حاصل از راه کار اول، خیلی بیشتر از داده‌های راه کار دوم است. همان‌طوری که قبلاً اشاره شد نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۹۹۳) به این دلیل که ساخت فعل مرکب در زبان ترکی آذربایجانی بعد از کپی جزء غیرفعلی فارسی، هم‌کردی به کار می‌رود که هم‌معنای هم‌کرد زبان فارسی است، آن را در زمره راه کار وام‌گیری

معنایی در نظر گرفته‌اند؛ اما در میان داده‌ها، نمونه‌هایی یافت شد که نه تنها جزءغیرفعلی آنها از سازه‌ها یا عناصر بومی بوده و به واژگان زبان ترکی آذربایجانی تعلق داشت؛ بلکه همکردها یا افعال سبک آنها نیز هم‌معنای همکردهای زبان فارسی نبودند و از خود زبان ترکی آذربایجانی برگزیده شده بودند. برای مثال در فعل مرکب ترکی آذربایجانی *baş gaçirt-max* جزءغیرفعلی به معنی «سر» و فعل سبک به معنی «فراری دادن» است که همان معادل «شانه خالی کردن» در زبان فارسی است. در نمونه دیگر مثل *æl at-max* جزءغیرفعلی ترکی آذربایجانی به معنی «دست» و فعل سبک به معنی «نداختن» است که معنی و مفهوم آن در زبان فارسی «کمک کردن» است. علاوه بر این، افعال مرکب فراوانی (۷۵ مورد) در بین داده‌ها مشاهده گردید که از ترکیب اسم و گروه حرف‌افزافه ترکی آذربایجانی + افعال سبک مختلف آن زبان ساخته شده بودند (در افعال مرکب بومی، ترکیب صفت + فعل سبک، خیلی نادر بود). تقریباً اکثر افعال مرکب بومی گردآوری شده، معانی استعاری داشتند مانند:

<i>baş tap-max</i>	<i>baş goş-max</i>	سر به سر گذاشتن	وصل کردن سر	فهمیدن	یافتن سر
<i>baş saxla-max</i>	<i>baş ver-mæx</i>	رخ دادن	دادن سر	از عهده کارها برآمدن	نگه‌داشتن سر
<i>baş-a tüş-mæx</i>	<i>iy bil-mæx</i>	تیز بودن	دانستن بو	فهمیدن	افتادن به-سر
<i>and ič-mæx</i>	<i>göz vır-max</i>	چشمک زدن	زدن چشم	سوگند خوردن	نوشیدن سوگند
<i>gulax as-max</i>	<i>sæs ver-mæx</i>	پاسخ دادن	دادن صدا	گوش دادن	آویزان کردن گوش
<i>qöz-æ dəy-mæx</i>	<i>yol- a tüş-mæx</i>	راه افتادن	افتادن به-راه	دیده شدن	برخورد کردن به-چشم
<i>yol- a sal-max</i>	<i>yalan sat-max</i>	دروغ گفتن	فروختن دروغ	بدرقه کردن	انداختن به-راه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فراوانی کاربرد جزءغیرفعلی فارسی + فعل سبک ترکی آذربایجانی در زبان ترکی آذربایجانی نسبت به افعال مرکب بومی آن زبان نیز خیلی زیاد است؛ اما نکته مهم‌تر وجود فعل مرکب در زبان ترکی آذربایجانی است که محققان پیشین از جمله روحانی (۱۳۷۸) بر عدم وجود این نوع فعل در ترکی آذربایجانی اعتقاد دارد و یا حسین‌زاده‌آزاد (۱۳۸۲)، محمودی (۱۳۹۳)، نغزگوی کهن و عبدالملکی

(۱۹۹۳) بر وام‌گیری ساخت فعل مرکب ترکی آذربایجانی از زبان فارسی تأکید نموده‌اند. همچنین دستورنویسان ترکی آذربایجانی مانند آندرهیل^۱ (۱۹۷۹)، فرزانه (۱۳۵۷) و احمدی‌گیوی (۱۳۸۳) به دلیل پیوندی بودن زبان ترکی آذربایجانی، استفاده از وندهای فعل‌ساز را، رایج‌ترین راه برای ساخت فعل در این زبان می‌دانند.

با بررسی داده‌ها مشخص گردید که گویشوران ترکی آذربایجانی، تحت تأثیر زبان فارسی و با قرض‌گیری جزءغیرفعلی آن زبان، فراوانی کاربرد ساخت فعل مرکب را در زبان خود بسط و گسترش داده‌اند؛ بنابراین ساخت فعل سبک در ترکی آذربایجانی ساختی بیگانه و تازه در آن زبان نیست، بلکه این ساخت در خود زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد و فقط فراوانی کاربرد آن با بهره‌گیری از راه‌کار گسترش افزایش یافته است. همان‌طوری که قبلاً بحث شد گویشوران زبان بدل در مطالعه‌ی هاینه (۲۰۰۶) کاربرد ساخت‌های نحوی زبان خود را با ساخت‌های نحوی متناظر در زبان مدل مطابقت می‌دهند و این امر به گسترش کاربرد آن ساخت‌ها منجر می‌شود. گویشوران ترکی آذربایجانی نیز از میان دو ساخت فعل‌ساز زبان خود (وندافزایی یا ساختواژی و ساخت فعل سبک)، الگوی منطبق با ساخت مشابه و متناظر در زبان فارسی (ساخت فعل سبک) را انتخاب کرده و با قرض‌گیری جزءغیرفعلی فارسی، فراوانی کاربرد این ساخت را در زبان خود افزایش داده‌اند. این تغییر در جهت همگرایی زبان ترکی آذربایجانی با زبان فارسی انجام یافته است که از پیامدهای طبیعی برخورد و تماس زبان‌ها است. همان‌طوری که دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۲) معتقد است زبان فارسی به‌عنوان لایه‌ی زیرین^۲ همچنان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های رده‌شناختی خود را به زبان‌های دیگر ایران به‌عنوان لایه‌ی زیرین^۳ منتقل می‌کند و قرض‌گیری و تأثیرپذیری به همگرایی ساختاری بیشتر این زبان‌ها با زبان فارسی خواهد انجامید.

پی‌نوشت‌ها

۱. نغزگوی کهن و عبدالملکی (۱۳۹۳)، معادل بدل را به جای replica به کار برده‌اند (صورت زبانی که در زبان وام‌دهنده، ملاک و الگوی وام‌گیری قرار گرفته است، مدل نامیده می‌شود و صورت متناظر و مشابه آن در زبان پذیرا، بدل نام دارد).

۲. برای توضیحات بیشتر در ارتباط با راه‌کارهای دیگر به هاینه (۲۰۰۶) مراجعه شود.

1. Underhill
2. superstratum
3. substratum

منابع

- احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: قطره.
- حسین‌زاده‌آزاد، طوبی (۱۳۸۲). فعل مرکب در ترکی و اشتقاق‌های حاصل از آن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- حیدری‌زادی، رضا؛ حسینی‌معصومی، سیدمحمد؛ نجفیان، آرزو و روشن، بلقیس (۱۳۹۵). تحلیل یک نوع فعل مرکب فارسی. مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، ۲ (۱۵)، ۵۳-۷۴.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۴). فعل مرکب در زبان فارسی. مجله زبانشناسی، ۱ و ۲، ۴۶-۲.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. جلد ۱، چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خانلری، پرویز (۱۳۶۵). تاریخ زبان فارسی. جلد دوم، تهران: انتشارات نشر نو.
- روحانی، علیرضا (۱۳۷۸). فعل مرکب در زبان ترکی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۷). مبانی دستور زبان ترکی آذربایجانی. تهران: انتشارات فرزانه.
- محمودی، سولماز (۱۳۹۳). زبان ترکی آذربایجانی در گذر تاریخ. مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد و عبدالملکی، علی (۱۳۹۳). وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی. پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی، ۷، ۹۷-۱۱۳.

- Ahmadi-Givi, H. 2004. *Comparative grammar of Turkish and Persian*. Tehran: Gatreh. [In Persian].
- Chikovani, G. 2005. Linguistic contact in central Asia. In *Linguistic Convergence and Areal Diffusion: Case studies from Iranian, Semitic and Turkic*, E. Csato, A. Bo Isaksson and c. Jahani (eds), 127-132, London: Routledge.
- Dabir-Moghaddam, M. 1995. Compound verb in Persian. *Linguistics*, 1 (2), 2-46. [In Persian].
- Dabir-Moghaddam, M. 2013. *Iranian language typology*. Volume 1, First publication. Tehran: The organization for researching and composing university textbooks in the humanities (SAMT). [In Persian].
- Farzaneh, M. 1978. *The base of Azarbayjanian grammar*. Tehran: Farzaneh publication. [In Persian].
- Heidarizadi, R., Hosseini-Maasoum, M., Najafian, A & Roshan, B. 2017. Phase Derivation of a Class of Persian Compound Predicates. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*, 2 (15), 53-74. [In Persian].

- Heine, B. 2006. *Contact-induced Word Order Change without Word Order Change* [Working Papers in Multilingualism, Series B, 76]. University of Hamburg: Sonderforschungs-bereich 538: Mehrsprachigkeit.
- Hosseinzadeh-Azad, T. 2003. *Compound verb in Turkish language and its derivations*. M. A dissertation in linguistics, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Johanson, L. 1999. The Dynamics of Code-Copying in Language Encounters. In *Language Encounters Across Time and Space* (ed). By Bernt Brendemoen, Elizabeth Lanza and Else Ryen, 37-61. Oslo: Novus Press.
- Karimi-Doostan, Gh. 2005. light verbs and structural Case. *Lingua* 115: 1737-1756.
- Khanlari, P. 1986. *A history of the Persian language*. 2th edition. Tehran: Nashr Now publication. [In Persian].
- Mahmoodi, S. 2014. Azarbayjanian Language during history. *Second international conference of Iranian Languages and dialects*, Iranian Islamic research center. [In Persian].
- Mohammad, J., & Karimi, S. 1992. Light verbs are taking over: Complex verbs in Persian. *Proceedings of WECOL*, 19-212.
- Moravcsik, E. 1975. Verb Borrowing. *Wiener Linguistische Gazette* 8, 3-30.
- Myers-Scotton, C. 2002. *Contact linguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Nagzguyekohan, M. & Abdolmaleki, A. 2014. Verb borrowing in Persian, Kurdish and Azarbayjani. *Comparative linguistic researches*, 7, 97-113. [In Persian].
- Rouhani, A., R. 1999. *Compound verb in Turkish language*. M. A dissertation in linguistics, Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].
- Thomason, S. & Kaufmæn, T. 1988. *Language Contact, Creolization, and Genetic Linguistics*. Berkeley: University of California Press.
- Thomason, S. 2001. *Language Contact*. Edinburgh: EUP.
- Underhill, R. 1979. *Turkish grammar*. Cambridge: MIT.
- Wohlgemuth, J. 2009. *A Typology of Verbal Borrowing*. Printed in Germany.